

دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ۱۳، شماره ۴۱، پاییز و زمستان ۱۴۰۰ (صص ۲۶۷-۲۸۲)

نقش مجلس احرار اسلامی در جنبش‌های ضدقادیانی در پنجاب (۱۹۲۹-۱۹۵۳م)

علی محمد مؤذنی^۱ خدیجه عالمی^۲ محمد کاظمی پور^۳

چکیده

پس از شکل‌گیری فرقه قادیانی توسط غلام احمد در پنجاب، این نظریه از سوی او مطرح شد که نبوت با رحلت حضرت محمد(ص) پایان نیافته و جامعه همچنان نیازمند اصلاح و ظهور پیامبر جدید است. در برابر این اندیشه، گروه‌هایی موضع‌گیری کردند و جنبش‌هایی را علیه آن فرقه در پنجاب به راه انداختند. در این میان مجلس احرار اسلامی مهم‌ترین نهادی بود که به شدت علیه این فرقه فعالیت داشت. پژوهش حاضر با روش توصیف و تحلیل تاریخی و با بهره‌وری از منابع و اسناد موجود به این پرسش اصلی می‌پردازد که نقش مجلس احرار اسلامی در جنبش‌های ضدقادیانی در پنجاب چه بود؟ مدعای مطرح‌شده بدین قرار است: با توجه به طرح مسئله تداوم نبوت از سوی میرزا غلام احمد قادیانی و تأکید جنبش‌های ضدقادیانی بر تئوری تحفظ ختم نبوت، مجلس احرار اسلامی جنبش‌های مذکور را به گونه‌ای رهبری کرد که این فرقه را در زمره اقلیت‌های مذهبی قرار داد و از فعالیت‌های آن به‌عنوان یک فرقه اسلامی جلوگیری کرد. دستیابی به این نتیجه که تأکید مجلس احرار براندیشه تحفظ ختم نبوت، از اشاعه ادعاهای دروغین فرقه قادیانی در منطقه پاکستان جلوگیری کرد، دستاوردهای این پژوهش است.

واژه‌های کلیدی: پنجاب، جنبش، قادیانی، ختم نبوت، مجلس احرار اسلامی.

۱- مقدمه

بررسی روند شکل‌گیری قادیانیه و مجلس احرار اسلامی وابسته به دو عامل موقعیت جغرافیایی و سیاسی منطقه پنجاب است. این منطقه جمعیت گسترده‌ای از پیروان اسلام، سیک و هندو را در

۱. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران

۲. استادیار تاریخ اسلام، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

۳. فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشگاه تهران

خود جای داده بود که همین تنوع دینی، باعث نوعی رقابت و دشمنی میان آن‌ها شده بود. پس از استیلای بریتانیا بر پنجاب در سال ۱۸۴۹م، زمینه خیزش جریان‌های اجتماعی در آن آماده‌تر شد. مواجهه مسلمانان با استعمار بریتانیا در ابتدا محافظه‌کارانه و توأم با احتیاط بود؛ چنانکه شاه ولی‌الله دهلوی (۱۷۰۳-۱۷۶۲م) متفکر و اندیشمند بزرگ اسلامی در سده هجدهم بیشتر متوجه خطر هندوها و سیک‌ها در برابر مسلمانان بود تا بریتانیایی‌ها؛ اما پسر او عبدالعزیز (۱۷۴۹-۱۸۲۴م) خطر سلطه بریتانیا بر هند را دریافت و با صدور فتوایی خواستار قیام مسلمانان در برابر بریتانیا شد (پیترز، ۱۳۶۵: ۶۹) دستاورد این قیام‌ها اهمیت یافتن ضرورت وحدت رویه مسلمانان با هندوها در برابر بریتانیایی‌ها بود که در قیام ۱۸۵۷م تا اندازه‌ای خود را نشان داد (مسعودنیا و نجفی، ۱۳۹۰: ۹۸).

مسلمانان در قیام ۱۸۵۷م نقش بیشتری نسبت به هندوها داشتند، زیرا سال‌ها از طریق دولت مغولان مسلمان بر این کشور حکومت داشتند و خود را صاحب هند می‌دانستند. این قیام به نوعی تلاش برای بازگرداندن دوره طلایی حاکمیت مغولان مسلمان در هند بود. شکست قیام فوق نوعی تغییر در رهبری مسلمانان به وجود آورد که مهم‌ترین جلوه آن، ورود نواندیشان و به اصطلاح روشنفکران مذهبی مسلمان (از جمله سر سید احمد خان هندی، میر تقی میر، میرزا غالب، میرزا ابوطالب مشهور به لندنی) در عرصه رهبری سیاسی از یک سو (Ashraf, 1982: 188-217) و شکل‌گیری فرقه‌های انحرافی از سویی دیگر بود. یکی از این فرقه‌ها، قادیانیه است که در سال ۱۸۸۹م در ایالت پنجاب شبه‌قاره هند به وسیله میرزا غلام احمد قادیانی بنیان نهاده شد (علیزاده و جهانجویان، ۱۳۹۳: ۱۲۷) و مسئله تداوم نبوت را مطرح کرد؛ از این رو فهم بهتر افکار و تحولات قادیانیه ارتباط مستقیمی با تحولات پنجاب در قرن نوزدهم و بیستم دارد. این نوشتار بر مسئله مخالفت مجلس احرار اسلامی (به‌عنوان مدافعان اندیشه ختم نبوت) با تفکر قادیانی‌ها به‌عنوان رکن اساسی طرح مسئله ادامه نبوت می‌پردازد تا زوایای پنهان رویارویی اندیشه تداوم نبوت با تئوری تحفظ ختم نبوت را واکاوی کند.

۱-۱- بیان مسئله و سؤالات تحقیق

پنجاب یکی از آخرین مناطق شبه‌قاره هند بود که از سال ۱۸۴۹ تا ۱۹۴۷م در اختیار فرماندهان نظامی بریتانیا قرار گرفت. میرزا غلام احمد در تثبیت جایگاه بریتانیا در این منطقه نقش مهمی ایفا کرد. وی با لغو جهاد علیه بریتانیا و طرح اندیشه تداوم نبوت، مخالفت مسلمانان را برانگیخت.

برخی مسلمانان که حزبی به‌نام مجلس احرار اسلامی تشکیل داده بودند و با طرح ایده‌های مساوات‌طلبانه و توزیع برابر ثروت، محبوبیت زیادی در بین طبقه متوسط مسلمانان پنجاب کسب کرده بودند، مسلمانان را به سوی جنبش‌های ضدقادیانی سوق دادند تا از فعالیت‌های فرقه قادیانیه جلوگیری کنند؛ از این رو در این نوشتار رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها که ۱- نقش مجلس احرار اسلامی در جنبش‌های ضدقادیانی در پنجاب چه بود؟ و ۲- چرا و چگونه مجلس احرار اسلامی از فعالیت‌های آن فرقه در پنجاب جلوگیری کرد؟ مورد نظر قرار گرفته است.

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

پژوهش در این حوزه دارای اهمیت و ضرورت است؛ زیرا در هر دوره‌ای گروه‌ها و فرقه‌های انحرافی برای اثبات مدعای خود به قرآن استدلال می‌کنند و آن را شاهی برای ادعای خود می‌آورند، درحالی‌که مطالب و مدعاهای مختلف و مقاصد متفاوت است. فرقه انحرافی قادیانی نیز از جمله این فرقه‌ها است. هدف از پژوهش در این موضوع پاسخ به سؤالات تحقیق و بررسی تاریخی مسئله ختم نبوت (نوآوری پژوهش) است که به شناخت هرچه بیشتر فرقه‌های افراطی و ادعاهای دروغین نبوت و منجی‌گری در تاریخ شبه‌قاره هند کمک خواهد کرد.

۱-۳- روش تفصیلی تحقیق

نوشته حاضر با بهره‌گیری از متون و منابع اصلی درصدد برآمده که اضلاع ناگفته انگیزه‌های مجلس احرار اسلامی در جنبش‌های ضدقادیانی را به شیوه توصیفی-تحلیلی روشن کند؛ از این رو در سازماندهی مقاله ابتدا به اهمیت منطقه پنجاب و مبانی فکری فرقه قادیانی، اندیشه قادیانی درباره منجی‌گری، نبوت و تداوم آن و اندیشه لغو جهاد علیه بریتانیا پرداخته می‌شود و سپس شکل‌گیری مجلس احرار اسلامی و مبانی فکری آن و رهبری جنبش‌های ضدقادیانی اعم از شورش ۱۹۵۲م، جماعت اسلامی و شعبه تبلیغی ضدقادیانی مورد بررسی قرار گرفته و در پایان نتایج فعالیت‌های مجلس احرار بیان شده است.

۱-۴- پیشینه تحقیق

اهمیت موضوع تأسیس و عملکرد فرقه قادیانیه و فعالیت‌های مجلس احرار اسلامی علیه آن فرقه، آثار و تحقیقات متعددی را به خود اختصاص داده است. در برخی از تحقیقات به نقد آرا و نظرات فرقه قادیانی پرداخته شده، اما جنبش‌های ضدقادیانی در حاشیه قرار گرفته است. (وجدانی، ۱۳۸۸: ۵۲-۱۷۵) برخی آثار نیز فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مجلس احرار در منطقه

پنجاب را مورد بررسی قرار داده (Awan, 2008: 21-57) و به مسائلی مانند ریشه‌یابی شکل‌گیری مجلس احرار، فعالیت این سازمان در پنجاب و رابطه آن با کنگره ملی هند و فراز و فرود آن در سال‌های ۱۹۳۱-۱۹۴۷م پرداخته‌اند (Kamran, 2013: 2-18). همچنین موضوعاتی مانند برنامه سیاسی مجلس احرار در احراز هویت مسلمانان در برابر ناسیونال‌سیم هندی و تحولات داخلی ایالت پنجاب (Gosain, 2015: 134-139) نیز مورد توجه برخی مؤلفان قرار گرفته است. با این وجود آثار مذکور، اشاره مختصری به نقش مجلس احرار اسلامی در سرکوبی فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی فرقه قادیانیه داشته‌اند.

۲- پنجاب و مبانی فکری فرقه قادیانی

پنجاب ناحیه‌ای در شمال غربی هند است که امروزه به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم شده است. (دهلوی، ۱۳۹۲: ۱۳) این ناحیه از نظر جمعیتی دارای تنوع جغرافیایی و مذهبی است. چنانکه مسلمانان پنجاب عمدتاً در غرب و شمال و هندوها و سیک‌ها در شرق و جنوب متمرکز هستند. در دوره شکل‌گیری فرقه قادیانی، مسلمانان بیش از ۵۶ درصد جمعیت را تشکیل می‌دادند که در بخش غربی پنجاب تمرکز داشتند (Gul Baqai, 2010: 110-116) قادیان نام روستایی است که در شمال پنجاب قرار دارد. این روستا در قرن نوزدهم میلادی شاهد ظهور فردی به نام میرزا غلام احمد قادیانی بود که فرقه قادیانیه را بنیان‌گذاری کرد. وی به‌عنوان مؤسس این فرقه، در سال ۱۸۳۹م در روستایی به‌نام قادیان از شهرستان گرداس‌پور پنجاب به دنیا آمد و در سال ۱۹۰۸م در شهر لاهور از دنیا رفت و جسد او به قادیان منتقل و در آنجا به خاک سپرده شد. (قادیانی، ۲۰۰۸، ج ۲۲: ۷۰۳) وی با توجه به ثروت و جایگاهی که به‌عنوان یک زمین‌دار میان زمین‌داران و فئودال‌های پنجاب داشت، از نفوذ چشم‌گیری برخوردار شد (اقبال، ۱۳۷۳: ۸۰۰-۸۰۹) او در منطقه قادیان پنجاب مسجدی تأسیس کرد و به شکل گسترده به نشر آرا و عقاید خود مشغول شد. او با تأکید مکرر بر وجود اختلاف بین مسلمین و ضرورت یافتن معیاری برای تشخیص حق از باطل، زمینه طرح ادعای بزرگ خود را مهیا کرد. او در مارس ۱۸۸۹م در میان طرفداران خود اعلام کرد که از جانب خداوند به او وحی نازل می‌شود. وی اعلام کرد که نبوت خاتمه نیافته و او (غلام احمد) ظل النبی است و برای تفسیر احکام و زدودن تباهی‌ای که در دین رسوخ کرده، ظهور کرده است (Mahmud, 1959: 17-18).

یکی از نکات محوری در سخنان و تعالیم قادیانی، تأکید بر اجتناب از جنگ با بریتانیا است. به طوری که وی جهاد را حتی در برابر دولت استعماری بریتانیا، سخت مورد نکوهش قرار می‌داد و معتقد بود مسلمانان دو اعتقاد دینی خطرناک و اشتباه دارند. یکی این است که آنان بر سر شمشیر با دیگران جهاد می‌کنند و این را رکن دین می‌پندارند و دیگری این است که آن‌ها دنبال یک مسیح و مهدی موعود هستند که می‌آید و جهان را پر از خون مردم می‌کند (قادیانی، ۲۰۰۸، ج ۱۵: ۲۸). ابوالاعلی مودودی که اندیشه‌های او بر جنبش‌های اسلام‌گرا در قرن بیستم تأثیرگذار بود (علوی‌پور و حسنی‌فر، ۱۳۹۳: ۹۷)، در کتابش با عنوان «مسئله قادیانی» معتقد است در سراسر دنیا اعضای این فرقه خود را کارگزار بریتانیا قلمداد می‌کنند و غلام احمد قادیانی در راستای لغو جهاد علیه بریتانیا درصدد بود مسلمانان هند را به اطاعت بی‌چون‌وچرا از دولت بریتانیا ترغیب کند و مفهوم جهاد را از ذهن آنان پاک کند (Maudoodi, 1956: 24-29).

۳- شکل‌گیری مجلس احرار اسلامی

مجلس احرار اسلامی در ۲۹ دسامبر ۱۹۲۹م در لاهور شکل گرفت (حق، ۱۹۶۸: ۲۵) این نهاد از درون مدرسه دارالعلوم دیوبند (تأسیس در سال ۱۸۶۷م) ظهور یافت. (Kamran, 2013: 1) هدف این مدرسه از یک سو حفظ و نگهداری فرهنگ اسلامی با زبان خاص آن (عربی) و از طرف دیگر مبارزه با فرهنگ بریتانیایی و جلوگیری از نفوذ آن در افکار و اخلاقیات مردم هند بود. (نصیری و دهانی گنکی، ۱۳۹۷: ۲۱۶؛ موثقی، ۱۳۸۱: ۲۷۷-۲۷۸) همچنین فروپاشی جنبش خلافت در سال ۱۹۲۲م نیز در شکل‌گیری مجلس احرار اسلامی تأثیرگذار بود. چنانکه آغا شورش کشمیری (از رهبران ایده‌پرداز مجلس احرار) پیدایش مجلس احرار را از نتایج فروپاشی جنبش خلافت ذکر کرده است (کشمیری، ۱۹۷۲: ۳۱۰). در واقع اعضای که مجلس احرار را تشکیل می‌دادند، نمایندگان جنبش خلافت پنجاب در دهه ۱۹۲۰م بودند. کسانی مانند ظفر علی‌خان (ویراستار روزنامه زمین‌دار)، مولانا داود غزنوی، سید عطاءالله بخاری، چادری افضل حق، مولانا مظهر علی اظهر، خواجه عبدالرحمن قاضی شیخ حسام‌الدین و مولانا حبیب‌الرحمن لدهیانوی از جمله فعالان مجلس احرار بودند که رهبری اصلی آن را برعهده داشتند (Kamran, 2013: 1-2). افضل حق درباره چگونگی شکل‌گیری مجلس احرار می‌نویسد: «کمیته خلافت پنجاب روح هیئت مرکزی بود، ناخواسته و ناخودآگاه گروه مجزا در خود داشتند. خلافت پنجاب یک جناح نخبه و یک جناح ضعیف داشت. نخبگان، سازمان خود را با نام حزب ملی‌گرای

اسلامی تشکیل دادند و جناح ضعیف نیز مجلس احرار را تشکیل دادند.» (حق، ۱۹۶۸: ۷۰) اعضای مجلس احرار از طبقه شهری غیرمتمول و فرودست مسلمانان بودند (نهر، ۱۳۶۱: ۲، ۶۴۳) و به‌عنوان مخالفان شکل‌گیری پاکستان شناخته می‌شدند (Shahran, 1968: 80). این سازمان که در دهه ۱۹۳۰م در جریان جنبش نافرمانی مدنی با کنگره همکاری داشت، خود را به‌عنوان گروهی از مردان سخت‌کوش، متعهد به هدف ملی‌گرایی هند و همکاری میان هندو-مسلمان معرفی کرد. احراری‌ها توانستند به‌طور قابل‌توجهی پایه حمایت خود را گسترش دهند و در سال‌های بعد طرفداران پنجابی جنبش ملی‌گرای هند را به خود جلب کنند. با این حال، قدرت اصلی آن‌ها شامل مهارت رهبران آن‌ها در سخنرانی‌های التهابی در جلسات عمومی بود که با اشاره مداوم به نمادهای مذهبی مشخص می‌شد. رهبر برجسته آن‌ها (عطاءالله شاه بخاری) می‌توانست مدت طولانی مخاطبان هزاران نفری را پای سخنرانی خود نگه دارد. توانایی احراری‌ها در زمینه سخنرانی، شاید در همان زمان به منزله ضعف آن‌ها نیز بود؛ زیرا این گروه بر محبوبیت رهبر خود متکی بودند تا یک سازمان مؤثر. در اواخر دهه ۱۹۳۰م و اوایل دهه ۱۹۴۰م، فعالیت آن‌ها به دلیل رویکرد مغایر آن‌ها با دیدگاه غیرخشونت‌آمیز رهبر کنگره ملی هند، بیش از پیش مورد تردید رهبران کنگره قرار گرفت؛ به‌عنوان مثال، احراری‌ها در لکنهو (احتمالاً برای جلب حمایت اهل سنت) در مبارزات ضد اقلیت شیعه پیش‌قدم شدند؛ بنابراین، در فوریه ۱۹۴۱م، گاندی مخالفت خود را با احراری‌ها در کنگره اعلام کرد، مگر اینکه آن‌ها تعهد خود را برای عدم خشونت اعلام کنند (Smith, 1963: 253). این تصمیم باعث شد تا حزب احرار به‌طور فزاینده‌ای از صحنه سیاسی خارج شود؛ از این رو به جنبش سوسیالیستی چپ روی آورد. از آن پس احراری‌ها در هر موقعیت ممکن با حزب مسلم لیگ به شدت مخالفت می‌کردند. چنانکه جناح، مورد حملات احراری‌ها قرار گرفت و به‌جای لقب «قائد اعظم» ملقب به «کافر اعظم» شد (Diego, 2000: 18).

۳-۱- مبانی فکری مجلس احرار اسلامی

احرار در طی یک دوره کوتاه به یکی از قوی‌ترین احزاب سیاسی در پنجاب تبدیل شد. مجلس احرار به لحاظ ایدئولوژی تحت تأثیر دارالعلوم دیوبند قرار داشت که هدف آن ارائه اسلام نخستین بود. آن‌ها نسبت به شریعت و خانقاه‌های صوفیه از خود مخالفت نشان می‌دادند که این امر در مخالفت احرار با قادیانی‌ها چشم‌نواز بود. این حزب از بدو ظهور دارای ایدئولوژی

ضدامپریالیستی و ضدفئودالی و علایق ناسیونالیستی بود. اگرچه این حزب افولی زودرس داشت، ولی تأثیر بزرگی بر شهرهای بزرگ ایالت پنجاب مانند امرتسر، لاهور، سیالکوت، مولتان، لدھیانیه و گورداسپور داشت (Gosain, 2015: 134) استراتژی مجلس احرار اسلامی بسیج توده‌های مسلمان برای ابراز واکنش نسبت به مسائل مهم کشور بود و هر حرکت و جریانی که بر آینده هند و مسلمانان آن تأثیر می‌نهاد، مورد توجه مجلس احرار قرار داشت. همچنین بیشترین میزان تمرکز آنان، مسلمانان سنی و به‌خصوص ساکنان پنجاب بود (Awan, 2008: 21-22). مجلس احرار از نظر ایدئولوژیک به شدت متأثر از ایده سوسیالیستی در مسائل اقتصادی و اجتماعی بود؛ از این رو در بین اقشار متوسط پنجاب محبوبیت زیادی داشت. به نظر می‌رسد با توجه به شکل‌گیری مجلس احرار در سال ۱۹۲۹م و نزدیکی این زمان به انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷م روسیه، این پارادوکس را می‌توان این‌گونه مطرح کرد که رهبران احرار به دلیل رونق تفکر سوسیالیستی در این روزگار، رویکرد خود نسبت به مسائل جامعه را ترکیبی از اصول اسلامی و سوسیالیسم قرار دادند. جنبش احرار نه تنها به دنبال ریشه‌کن کردن امپریالیسم و فئودالیسم بود، بلکه برای توزیع برابر و عادلانه ثروت، احترام برای همه مذاهب و زندگی آزاد بر طبق شریعت تلاش می‌کرد. همچنین تلاش برای آزادی هند به شیوه صلح‌آمیز و بهبود وضعیت مسلمانان در زمینه‌های مذهب، تحصیلات و اقتصاد از جمله اهداف مجلس احرار بود؛ از این رو به منظور سازماندهی دهقانان و کارگران، اقدام به راه‌اندازی سازمان‌های داوطلبانه‌ای بانام «جیش‌الاحرار اسلام» در سراسر شبه‌قاره هند کردند. سپس کمیته کار احرار، پرچم قرمز رنگ خود را با یک هلال سفید و یک ستاره در وسط آن تأیید کرد (میرزا، ۱۹۷۲: ۱۵۰) اندیشه ختم نبوت در اواخر دهه ۱۸۹۰م مصادف با ظهور قادیانیه اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد؛ از این رو قادیانی‌ها به دلیل ارائه ایده عدم ختم نبوت مورد مخالفت مجلس احرار قرار گرفتند (Kamran, 2013: 4). نظریه تداوم نبوت، مخالفت مسلمانان را به دنبال داشت؛ چنانکه با شکل‌گیری مجلس احرار اسلامی مخالفت‌های مسلمانان تبدیل به جنبش‌های متعدد علیه قادیانی‌ها شد. قادیانی‌ها از ابتدای نهضت استقلال پاکستان معتقد بودند که حکومت بریتانیا برای آنان بهتر از یک حکومت اسلامی است؛ زیرا پیش از استقلال پاکستان قادیانی‌ها با علمای زیادی به مناظره و مباحثه پرداخته بودند و می‌دانستند که نظر علمای اسلام درباره آنان چگونه است؛ از این رو در بیانیه‌های مختلف علیه استقلال پاکستان شعار می‌دادند و خود غلام احمد بر این باور بود که بریتانیا تمام اقشار مردم را از حریت و آزادی بادیده یکسان

می‌نگرد و در این باب کمال انصاف و دادگری را رعایت می‌کند، ملل در زیر سایه رحمت آنان به آرزوی خود رسیده‌اند و از وقتی که دست به دامان آنان زده‌اند در رفاه به سر می‌برند، بدین جهت برای سران و بزرگان بریتانیا دعا می‌کرد و اطاعت از دولت بریتانیا را واجب می‌دانست؛ چنانکه در این زمینه (خطاب به هندوان) می‌گفت: «شما فکر کنید که اگر از زیر چتر این حکومت خارج شوید پس به کجا می‌توانید پناه ببرید، هر ملت اسلامی برای کشتن شما دندان تیز می‌کند، زیرا شما از دید آنان کافر و مرتد محسوب می‌شوید.» (قادیانی، ۲۰۰۸، ج ۱۴: ۶۵).

۴- مجلس احرار اسلامی و رهبری جنبش‌های ضدقادیانی

۴-۱- آغاز جنبش و تأسیس شعبه تبلیغی ضدقادیانی

مجلس احرار در امور مربوط به مسائل مذهبی، آموزشی و سایر مواردی که نگرانی مسلمانان را ایجاد می‌کرد، فعالیت داشت. از جمله مواردی که مورد توجه آن‌ها قرار گرفت، موضوعات مربوط به مسائل مذهبی از جمله انحرافات فکری بود (Gosain, 2015: 134-139)؛ از این رو اولین کنفرانس تبلیغی خود را در سال ۱۹۳۴م در قادیان برگزار کرد. اعضای مجلس احرار در اماکن مختلف با قادیانی‌ها به مناظره می‌پرداختند؛ لیکن در بیشتر این مناظرات شکست می‌خوردند؛ اما قادیانی‌ها در این مناظرات موفق بودند و درصدد اثبات این امر برای مسلمانان بودند که آن‌ها هم جزئی از جامعه مسلمانانند؛ به همین دلیل مجلس احرار پا را از تبلیغ و مناظره فراتر گذاشت و علیه قادیانی‌ها مبارزه سیاسی را آغاز کرد (وجدانی، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۳). کم‌کم این مبارزه و نهضت از ایالت پنجاب فراتر رفت و به داخل ایالت سند رسید. علمای لدهیانه علیه غلام احمد فتوای کفر را صادر کردند. تأثیر این فتواها این بود که در سال ۱۹۲۶م زنی به اسم غلام عایشه در بهاولپور ضد همسرش (که به‌زعم خود قادیانی مسلک شده بود) در دادگاه درخواست طلاق کرد. پس‌از این اتفاق، مناظرات قادیانی‌ها با علمای اهل حدیث لدهیانه آغاز شد. از ۲۱ تا ۲۳ اکتبر ۱۹۳۴م مجلس احرار هند در قادیان (مرکز و مقر قادیانی‌ها) یک کنفرانس تبلیغی ایجاد کرد که صدارت آن به دست عطاءالله شاه بخاری بود (میرزا، ۱۹۸۴: ۴۶). در همان زمان مجلس احرار یک شعبه تبلیغی علیه قادیانی‌ها تأسیس کرد و همه عملیات تبلیغی، به این شعبه واگذار شد و افراد عادی که کارمند دولت شده بودند و نمی‌توانستند در امور سیاسی شرکت کنند، از طریق این شعبه تبلیغی مشغول به فعالیت شدند. ریاست این شعبه برعهده قمرالدین، یکی از فعالان مجلس احرار بود. دولت بریتانیا، سید عطاءالله شاه بخاری را به دلیل سخنرانی تبلیغی، محکوم به شش ماه حبس

کرد. مجلس احرار علیه این اقدام بریتانیا در دادگاه محلی گورداسپور دادخواست نوشت که در نتیجه این اقدام سید عطاءالله شاه بخاری ۶ ژوئیه ۱۹۳۵م از زندان آزاد شد. در همان سال دادگاه بهاولپور (ریاست بهاولپور) پرونده خانم عایشه را به جریان انداخت و رأی خود را در حق غلام عایشه (بعد از سپری شدن ۹ سال) صادر کرد (میرزا، ۱۹۸۴: ۴۶). در همین پرونده، علما نیز علیه قادیانی‌ها شهادت دادند و مولانا محمد انور شاه کشمیری که یکی از سران معروف مجلس احرار بود، در حل این پرونده در حق خانم عایشه نقش ارزنده‌ای را ایفا کرد و چند روز پشت‌سرهم به‌عنوان شاهد در دادگاه حاضر شد (وجدانی، ۱۳۸۸: ۵۲). به‌هنگام جدایی پاکستان از هند، جمعیت قادیانی‌ها در گورداسپور (واقع در ایالت پنجاب) متمرکز بودند. آن‌ها نقشه قادیان را نزد کمیسیون مرزی حکومت بریتانیا که قرار بود مرز میان هند و پاکستان را تعیین کند، بردند و جمعیت خود را از مسلمانان جدا قلمداد کردند. آن‌ها در سال ۱۹۴۷م یک نقشه مرزی را که از پیش در سال ۱۹۴۰م آماده شده بود، به این کمیسیون ارائه کردند تا منطقه قادیان جزو پاکستان قرار نگیرد؛ زیرا قادیانی‌ها مسلمانان را منحرف از اسلام می‌دانستند. حکومت بریتانیا آن را پذیرفت و قادیان را جزو خاک هند قرارداد. در صورتی که دو ماه قبل از آن یعنی در سوم ژوئن ۱۹۴۷م این ناحیه، بر طبق اسناد و مدارک حکومت بریتانیا قرار بود جزو خاک پاکستان قرار بگیرد. بدین ترتیب منطقه قادیان در تقسیم‌بندی در قلمرو هند قرار گرفت (وجدانی، ۱۳۸۸: ۱۳۲). مدتی پس از استقلال پاکستان، تعدادی از علمای هوادار احرار در برابر گسترش روزافزون نفوذ قادیانی‌ها در ساختار سیاسی و اداری برآشفتنند. خود قادیانی‌ها نیز از جنبش پاکستان حمایت نکردند؛ اما پس از شکل‌گیری پاکستان از مرکز خود در قادیان که در قلمرو هند قرار داشت به ربوه (واقع در پاکستان) کوچ کردند و با ارائه اسناد و مدارک و با حمایت بریتانیا، سی‌وچهار هزار هکتار از زمین‌های این ناحیه را به چنگ آوردند (Freeland, 1968: 185). این رفتار دوگانه نشان‌دهنده غلبه ملاحظاتی اقتصادی بر باورهای مذهبی آن‌ها بود که از چشم مسلمانان پنهان نماند. در اوت ۱۹۴۸م، یک افسر ارتش به‌دلیل قادیانی بودن در کویت کشته شد. در ۱۱ آگوست ۱۹۴۸م، افسر سرگرد محمود، اتومبیل خود را در نزدیکی یک مکان عمومی جایی که مخالفان قادیانی در حال سخنرانی با موضوع ختم نبوت بودند، متوقف کرد. پلیس این ماجرا را گزارش داد و مورد تعرض و ضرب و شتم مردم قرار گرفت. این نوع خشونت در پنج سال متوالی اتفاق افتاد. احراری‌ها برای اولین بار در ملاءعام در ماه مه ۱۹۴۹م خواستار ممنوع شدن قادیانی‌ها از

فعالیت‌های سیاسی و اعلام آن‌ها به‌عنوان فرقه اقلیت شدند (Diego, 2000: 20). با توجه به سطح تحصیلات قادیانی‌ها و قرار گرفتن آن‌ها در ساختار دولتی، کنار گذاشتن آن‌ها از فعالیت‌های سیاسی دلالت بر استعفای اجباری آن‌ها از این مناصب داشت. مهم‌ترین این موارد مربوط به وزیر امور خارجه ظفرالله خان بود که یکی از قادیانی‌های معروف بود. احرازی‌ها از زمان اولین اعتراض به قادیانی‌ها، به‌شدت به ظفرالله خان حمله می‌کردند. آنچه بیشترین کمک را در جنبش ضدقادیانی داشت، روشی بود که احرازی‌ها در جلسات عمومی خود با این موضوع برخورد می‌کردند. آن‌ها خود را به انکار مفاهیم کلامی که عقاید قادیانی بر آن بنا شده بود محدود نکردند، بلکه به انواع توهین‌ها علیه فرقه، رهبر و اعضای آن نیز پرداختند. نقل قول زیر از سخنرانی مولوی محمد حیات می‌تواند شاهد این مطلب باشد: «ما میرزا غلام احمد را سرزنش نمی‌کنیم، زیرا او فقط بعضی اوقات مرتکب زنا می‌شد؛ اعتراض ما به خلیفه کنونی است که هر روز مرتکب زنا می‌شود.» (Munir report, 1954: 15).

۴-۲- اتحاد مجلس احرار و علما در جنبش ضدقادیانی

در چنین شرایطی آشوب‌های ضدقادیانی در سال ۱۹۵۲م شدت یافت. گماشته‌شدن ظفرالله خان (از پیروان قادیانیه) به منصب وزارت امور خارجه پاکستان به این آشوب‌ها دامن زد (Shahran, 80: 1968). در هفدهم مه ۱۹۵۲م در جریان نشست سالانه انجمن قادیانیه کراچی در پارک جهانگیر، پلیس مجبور شد با جمعیتی حدود ۵۰۰ نفر که سعی در برهم‌زدن کنفرانس داشتند، مقابله کند. در جریان این حوادث شعارهای «ضدقادیانی» مطرح شد. جدی‌ترین شورش‌ها یک روز بعد، به هنگام سخنرانی وزیر امور خارجه اتفاق افتاد. در این آشوب، حدود ۴۰۰۰ نفر به مغازه‌های قادیانی در کراچی روی آوردند و دادستان منطقه مجبور به اعلام ممنوعیت هرگونه اجتماع شد. برخی از افسران برجسته پلیس بارها تلاش کرده بودند تا دولت را نسبت به پتانسیل خطرناک جنبش ضدقادیانی و نیاز به مداخله با اقدامات قوی (قبل از خارج شدن از کنترل) متقاعد کنند. چنین اقدامی می‌توانست احرار را منزوی کرده و جنبش را متوقف کند.

(Diego, 2000: 25) در تابستان سال ۱۹۵۲م در سراسر پنجاب آشوب ایجاد شد و معترضان خواهان کنار گذاشته شدن ظفرالله خان از وزارت امور خارجه و معرفی کردن قادیانی‌ها به‌عنوان یک اقلیت غیرمسلمان در پاکستان شدند. در ماه می (همان سال) انجمنی از علما به ریاست سید سلیمان ندوی تشکیل و خواستار آن شد که قادیانی‌ها به‌عنوان یک اقلیت غیرمسلمان معرفی شوند

و از سپردن مناصب مهم به ایشان خودداری شود و ظفرالله خان از سمت خود کنار رود. این انجمن یک مجلس عمل برای پیگیری این خواسته‌ها تشکیل داد که شماری از اعضای جماعت مانند امین احسن اصلاحی و مالک نصرالله خان عزیز در آن حضور فعال داشتند. تشکیل این مجلس عمل که حزب احرار در آن از نفوذ چشم‌گیری برخوردار بود، زمینه یکپارچگی گروه‌های اسلامی علیه قادیانی‌ها را فراهم ساخت (Pirzada, 2000: 21; Nasr, 1994: 134). چنانکه حزب احرار و جمعیت علمای اسلام در این جنبش قرابت زیادی باهم پیدا کردند (احمدی‌منش، ۱۳۹۵: ۱۴۸-۱۴۷). اتحاد بین احرار و علما باعث شد تا فشار بر ابوالاعلی مودودی رهبر حزب جماعت اسلامی که از صحنه جنبش‌های ضدقادیانی به دور مانده بود، افزایش یابد. مودودی برای مدتی در موقعیت منحصربه‌فردی قرار داشت و تنها کسی بود که تلاش می‌کرد بحث ضدقادیانیه را به حداقل برساند. دیدگاه ابوالاعلی مودودی رهبر حزب جماعت اسلامی در برابر قادیانیه این بود که مسئله اقلیت‌ها با راهکاری که در قانون اساسی پیشنهاد خواهد شد برطرف می‌شود و نیازی به آشوب‌های خیابانی نیست. جماعت اسلامی تمام توان خود را به کار گرفتند تا از همراه شدن علما با آشوبگران ضدقادیانی جلوگیری کنند؛ اما به‌رغم این تلاش‌ها واقعیت این بود که ابوالاعلی مودودی و جماعت اسلامی در جلوگیری از پیوستن علما و اسلام‌گرایان به آشوب‌های ضدقادیانی ناکام ماندند. بدیهی است که مودودی در مورد درستی مسئله مذهبی تردیدی نداشته است. با این وجود، او نگران بود که این آشفتگی به موضوع مهم‌تر قانون اساسی اسلامی آسیب برساند. وی معتقد بود پس از تبدیل پاکستان به یک کشور اسلامی، با جذب مجدد قادیانی‌ها به دین اسلام، مسئله قادیانی‌ها به‌طور خودکار حل خواهد شد (Binder, 1961: 263)؛ اما وی تحت فشار علما تصمیم گرفت که به تأیید این شورش پردازد و خواستار اعلام قادیانی‌ها به‌عنوان اقلیت مذهبی شد (Binder, 1961: 263-264). جریان‌های مردمی به‌ویژه در پنجاب، به جنبش ضدقادیانی پیوسته بودند و علما نیز اگرچه هیچ‌گاه آرمان‌های مربوط به قانون اسلامی را به فراموشی نسپردند؛ اما تحت تأثیر گرایش‌های توده‌ای و حزب احرار، توان و نفوذ خود را در خدمت به جنبش ضدقادیانی به‌کار گرفتند. هنگامی که جبهه‌گیری نیروهای اسلام‌گرا در برابر حکومت در مسئله قادیانی‌ها تکمیل شد، جماعت اسلامی و مودودی نیز ناگزیر بدان ملحق شدند. (Bahadur, 1977: 68,136) حتی مودودی کتابی به‌نام «مسئله قادیانی» به رشته تحریر درآورد و با نگاهی موشکافانه به بررسی موضوع قادیانی‌ها پرداخت.

۵- مجلس احرار و طرح قادیانی‌ها به‌عنوان اقلیت

صبح روز ۲۷ فوریه ۱۹۵۲م، دولت مرکزی اولین پاسخ رسمی به خواسته‌های علما را اعلام کرد و اظهار داشت که هیچ‌یک از مردم و هیچ افسر دولتی (از جمله وزیر امور خارجه) علی‌رغم قادیانی‌بودن، نمی‌تواند از سمت خود برکنار شود یا به‌عنوان اقلیت مذهبی اعلام شود (Munir report, 1954: 147). در ۲۷ فوریه، اعضای احزاب مسلمان در کراچی و در ۲۸ فوریه حدود ۲۹ نفر از علمای معروف دستگیر شدند. در همان روز، دستور توقیف‌الفضل (ارگان احمدیه) و آزاد (روزنامه احرار) توسط دولت استان اعمال شد. در روز اول ماه مارس به نظر می‌رسید که پلیس به‌تنهایی قادر به کنار آمدن با شرایط نیست؛ بنابراین در ۳ مارس برای اولین بار نیروها در صحنه ظاهر شدند و در روز جمعه، ششم مارس همه ارتباطات ریلی، تلفنی و تلگرافی با لاهور قطع شد (Diego, 2000: 34) و فرماندار، وزیر اعظم و برخی از وزرا در یک اتاق جمع شده و ناامیدانه تلاش می‌کردند با کراچی از طریق تلفن تماس بگیرند (Munir report, 1954: 165). دولت پنجاب همچنان تحت فشار خواسته‌های مجلس احرار و علما قرار داشت. سپس بعد از سخنرانی ظفرالله خان در کراچی، احزاب مسلمان جلسه‌ای در دوم و سوم ژوئن در پایتخت برگزار کردند. در طی آن، برای اولین بار نمایندگان همه سازمان‌های علمای پاکستان به اتفاق آرا خواستار طرح قادیانی‌ها به‌عنوان اقلیت شدند و ظفرالله خان مجبور به استعفا شد؛ علاوه‌براین، رهبران مذهبی توافق کردند که کنوانسیون گسترده‌ای را تشکیل دهند تا راه‌ها و روش‌های مبارزه با تهدید قادیانیه را در نظر بگیرند. از جمله رهبران دینی که در این قطعنامه شرکت کردند، مولانا سید سلیمان ندوی (رئیس جامع بنگال شرقی) و مولانا عبدالحمید بدایونی رئیس جماعت العلماء پاکستان بودند (Diego, 2000: 26). از میان اعضای جماعت اسلامی، سلطان احمد (رئیس وقت جماعت) و ابوالاعلی مودودی در این جلسه حضور داشتند. آن‌ها به ناظم‌الدین هشدار دادند که هرگاه تا یک ماه دیگر ظفرالله خان از وزارت خارجه برکنار نشود و قادیانی‌ها یک اقلیت غیرمسلمان معرفی نشوند، یک جنبش سراسری را سازماندهی خواهند کرد (Bahadur, 1977: 68,136)؛ اما در نهایت این جنبش توده‌ای که پنجاب خاستگاه و کانون اصلی آن بود با واکنش قاطع حکومت فرونشست. در مارس ۱۹۵۳م اسکندر میرزا وزیر دفاع در شهرهای پنجاب حکومت‌نظامی برقرار کرد و رهبران احرار و جماعت اسلامی از جمله مودودی دستگیر شدند (Nasr, 1994: 137). آشفتگی‌های سال ۱۹۵۳م و انحلال مجلس احرار اسلامی به معنای پایان

مشکلات فرقه قادیانیه نبود. در دهه‌های بعد، موقعیت قادیانی‌ها دوباره مورد تهدید قرار گرفت. در سال ۱۹۷۴م حملات خشونت‌آمیز جدیدی علیه مرکز این فرقه در ربوه آغاز شد. در همان سال دولت بوتو تصمیم گرفت خواسته‌ی علما را مبنی بر طرح قادیانی‌ها به‌عنوان اقلیت غیرمسلمان، در قانون اساسی تأیید کند. ده سال بعد، این فرقه دوباره تحت فشار قرار گرفت. در دوره دولت ضیاءالحق جدایی بین قادیانی‌ها و بقیه مردم مسلمان از طریق منع استفاده آن‌ها (قادیانی‌ها) از عناوین مسلمان یا پیروی از برخی اعمال روزمره اسلامی، به‌شدت افزایش یافت (Robinson, 1990: 45). رژیم‌های بوتو و ضیاءالحق تحت فشارهای فزاینده احزاب اسلامی قرار گرفتند؛ زیرا حضور فرقه قادیانیه در پاکستان پایبندی آن دولت‌ها به ایدئولوژی «جمهوری اسلامی» را زیر سؤال می‌برد؛ از این رو تلاش و تکاپوی مسلمانان و علمای پنجاب علیه قادیانی‌ها نتیجه‌بخش بود. چنانکه دولت پاکستان در سال ۱۹۷۴م (دوره نخست‌وزیری ذوالفقار علی بوتو)، میرزا ناصر احمد خلیفه سوم قادیانی‌ها را به پارلمان فراخواند و به تفتیش عقاید قادیانی‌ها پرداخت و پس از آن، قادیانی‌ها به شکل رسمی در زمره اقلیت‌های مذهبی قرار گرفتند (وجدانی، ۱۳۸۸: ۱۷۵).

۶- نتیجه

مهم‌ترین نهادی که علیه قادیانیه شکل گرفت، مجلس احرار اسلامی بود که در برابر قادیانیه، قائل به تحفظ ختم نبوت بود. این حزب در سال ۱۹۲۹م با هدف بسیج توده‌های مسلمان به‌منظور ایجاد جنبش در مورد مسائلی که بر آینده هند یا مسلمانان هندی تأثیر بگذارد، تأسیس شد. مجلس احرار با نزدیک شدن به علما و حزب جماعت اسلامی، جنبش‌های ضدقادیانی را با انتشار آثار و کتبی از جمله کتاب «مسئله قادیانیت» اثر مودودی، سازماندهی کرد؛ اما درنهایت این جنبش با واکنش قاطع دولت پاکستان فرونشست. در مارس ۱۹۵۳م اسکندر میرزا وزیر دفاع در شهرهای پنجاب حکومت‌نظامی برقرار کرد و رهبران احرار و جماعت اسلامی از جمله مودودی دستگیر شدند. اگرچه احرار در زمان حیات خویش موفق به خاتمه دادن به جریان قادیانیه نشد، اما بازتاب جنبش‌های ضدقادیانی در دوره نخست‌وزیری ضیاءالحق تجلی یافت. این نهاد به‌شدت بر مسلمانان تأثیر گذاشت؛ به‌گونه‌ای که مسلمانان پاکستان علیه قادیانی‌ها بسیج شدند. در نتیجه دولت پاکستان در سال ۱۹۷۴م، میرزا ناصر احمد خلیفه سوم قادیانی‌ها را به پارلمان فراخواند و به تفتیش عقاید قادیانی‌ها پرداخت؛ به‌گونه‌ای که قادیانیه به‌عنوان یک اقلیت مذهبی درآمد و هدف اساسی مجلس احرار، یعنی تحفظ ختم نبوت (چند سال پس از انحلال این نهاد) محقق

شد. در چنین شرایطی فرقه قادیانی آزادی عمل خود را از دست داد و تحت فشار مسلمانان پنجاب قرار گرفت و از فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی بازماند؛ چنانکه تأثیرگذاری خود را بر مسلمانان این منطقه از دست داد. همچنین دولت ضیاء‌الحق از فشارهای فزاینده احزاب اسلامی رهایی یافت. این جنبش‌ها قادیانی‌ها را در زمره اقلیت‌های مذهبی درآورد، بلکه دولت‌های پاکستان را تحت فشار قرار داد تا در راستای اسلامی‌سازی پاکستان تلاش کنند و رویکردهای سیاست‌مداران پاکستان را به سمت رویکردهای اسلامی سوق داد. به عبارتی دیگر مبارزه با فعالیت‌های فرقه افراطی و انحرافی قادیانی، دستاوردی در جهت بیداری اسلامی ارائه داد؛ چنانکه از انحرافات فقهی و اعتقادی جلوگیری شد و به شناخت فرقه‌های افراطی و ادعاهای دروغین نبوت و منجی‌گری افزود و منجر به وحدت رویه مسلمانان در زمینه‌های اعتقادی و سیاسی در پاکستان شد.

۷- منابع

۱. احمدی‌منش، محمد، اسلام و سیاست در پاکستان. تهران: انتشارات پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۵.
۲. اقبال، جاوید، زندگی و افکار علامه اقبال لاهوری، مشهد: انتشارات شهین‌دخت کامران‌مقدم، ۱۳۷۳.
۳. پیترز، رادولف، اسلام و استعمار، ترجمه محمد خرقانی، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.
۴. حق، افضل، تاریخ احرار، لاهور: نشر مکتب مجلس احرار اسلام، ۱۹۶۸.
۵. دهلوی، مولوی سید محمد علی خان، تاریخ و جغرافیای پنجاب، ترجمه سید حسین شیرازی، به تصحیح محمدرضا نصیری، تهران: نشر آثار، ۱۳۹۲.
۶. علوی‌پور، سید محسن؛ حسنی‌فر، عبدالرسول، فراز و فرود حزب جماعت اسلامی پاکستان با تأکید بر اندیشه‌های ابوالعلاء مودودی، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال ۶، شماره ۲۰، صص ۸۹-۱۲۹، دانشگاه سیستان و بلوچستان: پاییز ۱۳۹۳.

۷. علیزاده، علی؛ جهانجویان، طاهر، مروری توصیفی-تحلیلی بر ترجمه‌های انگلیسی قرآن در شبه‌قاره، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال ۶، شماره ۲۱، صص ۱۵۰-۱۱۹، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زمستان ۱۳۹۳.
۸. قادیانی، غلام احمد، روحانی خزائن (حقیقه الوحی)، ج ۲۲، ربوه پاکستان: انتشارات ضیاءالاسلام، ۲۰۰۸.
۹. _____، روحانی خزائن (مسیح هندوستان)، ج ۱۵، ربوه پاکستان: انتشارات ضیاءالاسلام، ۲۰۰۸.
۱۰. _____، روحانی خزائن (نجم الهدی)، ج ۱۴، ربوه پاکستان: انتشارات ضیاءالاسلام، ۲۰۰۸.
۱۱. کشمیری، شورش، بوی گل ناله دل دود چراغ محفل، لاهور: نشر چطان، ۱۹۷۲.
۱۲. مسعودنیا، حسین؛ نجفی، داود، عوامل مؤثر در تکوین و رشد بنیادگرایی در پاکستان، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال ۳، شماره ۸، صص ۱۱۶-۸۳، دانشگاه سیستان و بلوچستان: پاییز ۱۳۹۰.
۱۳. موثقی، سید احمد، جنبش‌های اسلامی معاصر، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
۱۴. میرزا، جانباز، کاروان احرار، ج ۴، لاهور: نشر مکتب تبصره، ۱۹۷۲.
۱۵. _____، آخرین باب تحریک ختم نبوت، لاهور: نشر مکتب تبصره، ۱۹۸۴.
۱۶. نصیری، علی‌اکبر؛ دهانی گنکی، فاطمه، توسل در نگاه اشرف علی تهانوی و خلیل احمد سهارنپوری، دوفصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال ۱۰، شماره ۳۵، صص ۲۲۸-۲۱۵، دانشگاه سیستان و بلوچستان: پاییز و زمستان ۱۳۹۷.
۱۷. نهرو، جواهر لعل، کشف هند، ترجمه محمود تفضلی، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۱.
۱۸. وجدانی، غلام حسنین، تاریخ قادیانیه در شبه‌قاره هند از پیدایش تا عصر حاضر، قم: نشر جامعه‌المصطفی‌العالمیه، ۱۳۸۸.
19. Ashraf, mujeeb, Muslim attitudes towards British rule and western culture in India, dehli, India, 1982.
20. Awan, Samina, **Reconciliation or Confrontation: Majlis-i-Ahrar and the Politics of Punjab in 1930**, Islamabad, J.R.S.P, Vol. 45, No. 1, pp 21-57, 2008.

21. Bahadur, kalim, **The jamaati islami**, new dehli: chetana publication, 1977.
22. Binder, L, **Religion and Politics in Pakistan**, Berkeley, 1961.
23. Diego, Abenante, **The roots of political instability in Pakistan: The anti-Qadiani agitation of 1949-53**, tratto da Sociologia, Vol.3, p.1-39, academia.edu, 2000.
24. Freeland, abbott, **Islam and Pakistan**, Ithaca, N.Y. (cornell university press), 1968.
25. Gosain, renu, **Political Philosophy of Majlis-i-Ahrar Party in Colonial Punjab**, karnal, 2015.
26. Gul Baqai, Farah, **British Rule in Punjab: 1849-1947**, Pakistan Journal of History and Culture, Vol.XXXI, No.2, 2010.
27. Kamran, Tahir, **Majlis-i-Ahrar-i-Islam: religion, socialism and agitation in action**, Centre of South Asian Studies and Wolfson College, University of Cambridge, Cambridge, UK, 2013.
28. Mahmud, mirza bashiruddin, **Ahmadiyyat or true Islam**, 5th.ed, Rabwa, 1959.
29. Maudoodi, syed Abul ala, **The qadiani problem**, Karachi, 1956.
30. Munir report, **Report of the Court of Inquiry Constituted under the Punjab Act II of 1954 to Enquire into the Punjab Disturbances of 1953**, Government of Punjab, Lahore, 1954.
31. Nasr, seyyed vali reza, **The vanguard of Islamic revolution: the jammate islami of Pakistan**, university of California press, brekly and losangles, California, 1994.
32. Pirzada, seyyed A.S, **The politics of jamiat, ulema, I islam Pakistan (1971-1977)**, newyork, oxford university press, 2000.
33. Robinson., F., **Prophets Without Honour? Ahmad and the Ahmadiyya**, History Today, June 1990.
34. Shahrana, parmatma, **political system of Pakistan**, meerut, Prakash printing press, 1968.
35. Smith, W.C., **Modern Islam in India: A Social Analysis**, Lahore, 1963.